

نسل کتک خورده

در جواب حلال آل احمد، مدیر مدرسه و ...

نویسنده: سارای پورکیان



نشر آب خست

سرشناسه	پورکیان، داریوش، ۱۳۲۲ -
عنوان و نام پدیدآور	نسل کتک خورده: در جوار جلال آل احمد، مدیر مدرسه و ... / داریوش پورکیان.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات آب خست، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۴۵۷ ص.: مصور.
شابک	978-600-95828-2-2
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	پورکیان، داریوش، ۱۳۲۲ - -- خاطرات
موضوع	آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ -- نقد و تفسیر
موضوع	Al Ahmad, Jalal -- Criticism and interpretation
موضوع	بستان پسرانه صفای اصفهانی؛ تشویق و تنبیه در آموزش و پرورش - ایران
موضوع	Rewards and punishments in education -- Iran
موضوع	مدرسه ها -- ایران - انضباط
رده بندی کنگره	۱۳۰۰ ی ۴۴۱۶ و / ۸۳۳۶ PIR
رده بندی دیویی	۸۸۶۲ ف۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۹۵۳۴ ر

نشر آب خست

نسل کتک خورده

در جوار جلال آل احمد، مدیر مدرسه و ...

نویسنده: داریوش پورکیان

ناشر: آب خست

صفحه آرا: علی اکبر حکم آبادی

طرح جلد: بهنام میرصمدزاده

گرافیکست: زینب ضرونی

چاپ اول: ۱۳۹۷

همه حقوق محفوظ است

تیراژ: ۵۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۲۸-۲-۲

تلفن: ۰۹۱۹۳۴۱۶۷۴۱

فهرست

۱	مقدمه ناشر
۵	پیش گفتار
۷	هدف از نوشتن این کتاب
۱۱	فصل اول
۱۱	در جستجوی مدرسه صفا و همکلاسی های سابق
۱۷	نسل کتک خورده در یک نگاه
۱۷	خشونت ناظم مدرسه
۱۹	م . . . ث، معلم ریاضی یا شکنجه گر روانی؟
۲۶	ع . . . ی، معلم شاد و پر حرف تاریخ و جغرافیا، اما شکنجه گر بی صدا
۳۰	اسباب کشی به الهیه
۳۲	سال تحصیلی ۱۳۳۲-۱۳۳۳
۳۲	روز اول مدرسه
۳۷	موقعیت جغرافیایی مدرسه صفا
۳۹	ورود چهره های جدید شاگردان به کلاس ما
۴۲	معرفی حاج محمدعلی صفای اصفهانی، بنیان گذار مدرسه صفا

- ۴۹..... آشنایی با حاج حسین رحمانی، فراش مدرسه
- ۵۲..... کمبود مدیر و معلم - مشکل سال تحصیلی
- ۵۴..... مشکلات معیشتی کارکنان مدرسه صفا
- ۵۶..... آشنایی با حسن جواهری، معلم فارسی
- ۵۷..... آشنایی با اکبر هدایتی، دومین معلم فارسی
- ۵۸..... آشنایی با علی طباطبایی، معلم جدید فارسی
- ۵۹..... آشنایی با آخوندزاده، معلم قرآن و شرعیات (تعلیمات دینی)
- ۶۳..... آخوندزاده و ابراهیم مزینانی
- ۶۴..... آمدن جلال آل - مد به مدرسه صفا با سمت مدیر مدرسه
- ۶۵..... مدیر شدن آل احمد بر مناسبت برنامه ریزی خودش
- ۶۶..... کناره گیری آل احمد از سیاست؟
- ۷۰..... نطق آل احمد در ایوان مدرسه صفا - سبب تربیتی او
- ۷۱..... ملاقات آل احمد توسط طرفدارانش در مدرسه صفا
- ۷۳..... آشنایی با غلام حسین ا... یی، ناظم مدرسه صفا، کتک و زورگویی او
- ۸۰..... ناصر سربسته (نصیری) دانش آموز شیردل مدرسه ما
- ۸۳..... زمستان سال ۱۳۳۲
- ۸۷..... برف بازی جلوی مدرسه صفا - جلال آل احمد اسیر آداب و رسوم زمان خود
- ۹۱..... بهداشت در مدرسه ما
- ۹۱..... برنامه اصل چهار، فیلم های بهداشتی
- ۹۲..... دست شویی های مدرسه ما
- ۹۴..... منبع آب نوشیدنی مدرسه ما
- ۹۵..... دادن شیر صبحگاهی به شاگردان مدرسه صفا
- ۹۷..... جلال آل احمد و عید نوروز ۱۳۳۳
- ۹۹..... نهار خوردن در مدرسه صفا و گردش در اطراف آن
- ۱۰۲..... دعوا و زد و خورد بین رضا نصیبی و مسعود عزیزی

- کامبیز پیروزگر و قوی شاه ۱۰۳
- آمادگی برای امتحانات آخر سال ۱۰۵
- تقلب در امتحان رسم الخط ۱۰۷
- نعمت کُدیری با سمت معلّمی در مدرسه صفا ۱۰۸
- سال تحصیلی ۱۳۳۴ - ۱۳۳۳ ۱۰۹
- کنجکاوای زن برای کشف و شناخت دور و اطراف مدرسه صفا و فروشگاه‌های خوار و بار و اغذیه اطراف - رسم ۱۱۱
- بهداشت محیط در اطراف مدرسه صفا ۱۱۷
- مسابقه دوی جلال آل احمد ۱۱۸
- گسترش دبستان صفا به بیرجند ۱۲۰
- احترام گذاشتن آل احمد به خواص و شاگردان ۱۲۲
- جلال آل احمد غرق در افکارش ۱۲۵
- زمستان ۱۳۳۳ ۱۲۵
- آشنایی با ع . . . ی و فصیحی، دو تا معلّم با سمل کرد متفاوت ۱۲۶
- آشنایی با علی اصغر شیخ‌رضایی، معلّم حساب و هندسه ۱۳۳
- آشنایی با پاشا، معلّم فارسی ۱۳۶
- پاشا هنرپیشه تئاتر فردوسی (تأثیر تفکری) - شغل دوم معلّم فارسی ۱۳۸
- جلال آل احمد، به عنوان معلّم کمکی فارسی ما - شانسی برای شناخت من و او ۱۴۱
- رفتن جلال آل احمد از مدرسه صفا ۱۴۵
- آمدن گروه آموزشی جدید به مدرسه صفا بعد از رفتن جلال آل احمد ۱۴۹
- عبّاس لاجوردی، ناظم جدید مدرسه صفا ۱۵۶
- دکتر حمید معمارپور (فرزام)، مدیر جدید مدرسه صفا (بعد از مدیریت جلال آل احمد) ۱۵۷
- سال تحصیلی ۱۳۳۵ - ۱۳۳۴ ۱۷۰
- آشنایی با سیدباقر م . . . ث، معلّم حساب و هندسه - معلّم یا شکنجه‌گر؟ ۱۷۲
- تجربیات شاگردان قبلی م . . . ث از طرز تعلیم او در دبستان شاپور تجریش ۱۷۳

- تجربه ما از م . . . ث در مدرسه صفا..... ۱۷۵.
- توطئه معلم‌های ما بر ضد م . . . ث..... ۱۸۰.
- م . . . ث و شعر «ابلیس و شراب»..... ۱۸۴.
- م . . . ث در سینما دیانا..... ۱۸۶.
- جای انگشتر م . . . ث در موقع سیلی زدن..... ۱۸۷.
- داستان مرابحه (تنزیل) و یوسف بیگلریگی..... ۱۸۸.
- احمد پیش‌ور و رضا رضوانی و ابتکال، معلم‌های ورزش و کامرانیان معلم کاردستی ما..... ۱۹۶.
- آمادگی بی امتحانات نهایی پیش کیخسرو و در آموزشگاه امید..... ۲۰۰.
- سال تحصیلی ۱۱۰۶ - ۱۱۰۵..... ۲۰۷.
- آخرین دیدار با م . . . ث..... ۲۱۳.
- عید دیدنی محمود بزرگ از..... ۲۱۴.
- تنهایی کشنده، مشکل بزرگ بیچا..... ۲۱۶.
- تمبر بازی..... ۲۲۲.
- لژ بازی روی تپه خیابان فرشته، سرگرمی زمستانی شاگردان مدرسه صفا..... ۲۲۳.
- ده مرد رشید، شاپور آرین‌نژاد..... ۲۲۷.
- آشنایی با محمود شایان با تکیه کلام بر آخفش..... ۲۳۵.
- آشنایی با حاج محمود آفجه‌ای، معلم فقه و عربی ما..... ۲۳۸.
- آشنایی با بدیعی، معلم شیمی..... ۲۳۹.
- آشنایی با محمدصادق ایرجی، معلم انگلیسی ما..... ۲۴۱.
- ایرجی و تیر و کمان..... ۲۴۵.
- تصادف محمدحسین ملک‌آرا با ماشین پست، خودکشی یا واقعاً تصادف؟..... ۲۴۵.
- آشنایی با سیدعباس س . . . ی، معلم فارسی ما..... ۲۵۱.
- کتک خوردن هوشنگ خسروی (میرزا) و هوشنگ حسینیان از س . . . ی به خاطر من..... ۲۵۶.
- س . . . ی و شاپور تیموریان، همکلاسی من..... ۲۶۰.
- س . . . ی و بهرام معیری..... ۲۶۱.

۲۶۶.....	مسابقه والیبال کلاس ما با مدرسه نیکی اعلا.....
۲۷۵.....	باخت مدرسه صفا در مسابقه، باعث پیشرفت والیبالیست‌های مدرسه نیکی اعلا؟.....
۲۸۰.....	ماجرای حمله به باغ گیلان گرجی برای وقت‌کشی و باهم بودن.....
۲۸۸.....	س... ی و خودشیرینی مسعود جهان‌نزا.....
۲۹۰.....	سوسه دواندن س... ی پیش پدرم.....
۲۹۵.....	گردهمایی بچه‌های سابق مدرسه صفا در اولین جمعه ماه مهر.....

فصل دوم..... ۳۰۳

۳۰۳.....	تنبيه بدنى در مدارس ديگر به غير از مدرسه صفا.....
۳۱۳.....	بچه‌ها و والدين خفته آن زمان.....
۳۱۴.....	تايد تنبيه بچه‌ها در مدرسه به وسيله بعضى از پدر و مادرها.....
۳۱۸.....	مقاومت بعضى از بچه‌ها در مقابل تنبيه مدرسه.....
۳۲۱.....	تايد لزوم کتک‌ها به وسيله خود شاگردان.....
۳۲۲.....	تعصب زياد بعضى از شاگردان در حمايت از سکنجه‌دهنده خود.....
۳۲۷.....	رهائى از شر کتک‌ها، آرزوى که دانش‌آموزان مدت‌ها انتظارش را مى‌کشيدند.....
۳۲۸.....	اجراى جدى قانون قدغن بودن کتک زدن در مدارس.....
۳۲۹.....	گله و شکايت بعضى از کارکنان مدارس از قدغن کردن تنبيه بدنى.....
۳۳۱.....	چه کمبودى در آموزش و تربيت ما بود؟.....
۳۳۴.....	عدم تشويق و حمايت استعدادهای دانش‌آموزان.....
۳۳۷.....	استفاده از ضمير «ما» به جاى «من» نشانه شخصيت پرورش نيافته.....
۳۳۷.....	ترس و وحشت از انتقاد کردن ديگران.....
۳۳۸.....	اثرات کلمات تحقيرآمیز معلم‌ها روى بچه‌ها در مدرسه صفا و ديگر مدارس.....
۳۴۰.....	دادخواهى و اعتراض از نحوه (شيوه/سبک و روش) آموزش و پرورش.....
۳۴۱.....	نتيجه کتک‌ها براى زننده.....

۳۴۵	فصل سوم.....
۳۴۵	موقعیت درسی، مرهون کتک‌زدن‌ها؟.....
۳۴۶	محمد باقری و معمای ریاضی.....
۳۴۶	موقعیت محصلین ایرانی در خارج.....
۳۴۷	خاطره امیر بیگلربیگی در مدرسه مهندسی هامبورگ.....
۳۵۱	خاطرات خودم درباره موقعیت دانش‌جویان ایرانی در خارج.....
۳۵۱	اکبر خلیان در لیون فرانسه.....
۳۵۲	اولین کنفرانس من در دانشگاه خارجی.....
۳۵۵	خصوصیات آن سال‌ها دیدن، بی‌تفاوتی در باب مذهب و آداب و رسوم.....
۳۵۶	عدم کمبود شخصیت اجتماعی.....
۳۵۹	همکاری خیلی نزدیک با همکلاسی‌ها.....
۳۶۰	خاطرات همکلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ها.....
۳۶۰	س... ی در استخر امانیه، خاطره از محمودبرزگر.....
۳۶۳	خاطره محمد باقری از س... ی.....
۳۶۳	س... ی و خاطره محمودبرزگر، عقرب زدن.....
۳۶۴	کمک س... ی به محمودبرزگر.....
۳۶۴	خاطره اکبر گل‌سرخ و محمد باقری.....
۳۶۵	خاطره محمد مهدی صالحی (ناصر) و پاشا.....
۳۶۶	خاطره امیر بیگلربیگی و حسین جزئی.....
۳۶۶	خاطره محمودبرزگر از سید حسین مرتضوی و خانم مریم آل‌آقا.....
۳۶۷	خاطره محمد باقری و جلال آل احمد.....
۳۶۸	خاطره محمد باقری و ماشین مرد آمریکایی.....
۳۶۹	خاطره محمد باقری و شاپور تیموریان.....
۳۷۰	خاطره آخوندزاده و امیر بیگلربیگی.....
۳۷۱	رشوه گرفتن بعضی از معلم‌ها برای دادن نمره؛ نمودار فرهنگ مریض؟.....

- نتیجهٔ مهربانی و محبت معلّم‌ها به شاگردان، سوءاستفاده یا جبران آن؟..... ۳۷۸
- انسانیت بعضی از معلّم‌ها به شاگردان، کمک یا زیان به آیندهٔ آن‌ها؟..... ۳۸۱
- مدرسهٔ شاپور تجریش، تبعیدگاه کادر ناسازگار آموزشی..... ۳۸۶

فصل چهارم..... ۳۹۱

- شرحی دربارهٔ جلال آل‌احمد..... ۳۹۱
- جلال آل‌احمد در محدودهٔ ادارهٔ آموزش و پرورش..... ۳۹۱
- انتقاد از جلال آل‌احمد در مدرسهٔ صفا..... ۳۹۱
- انتقاد دانش‌آموزان مدرسهٔ صفا از کتاب مدیر مدرسه..... ۳۹۳
- خصوصیات جلال آل‌احمد..... ۳۹۷
- سیدعلی میرصادقی، کمک جلال آل‌احمد به او..... ۴۰۴
- حسین جهان‌شاه، قاپ‌بازی‌نویس؛ شاگرد دیگر جلال آل‌احمد..... ۴۰۸
- ساده‌نویسی آل‌احمد، مسئله‌ای برای شاگردانش..... ۴۱۱
- بی‌علاقگی آل‌احمد به سیاسی کردن شاگردانش..... ۴۱۲
- جلال آل‌احمد خارج از محدودهٔ ادارهٔ آموزش و پرورش..... ۴۱۳
- اثرات سختی‌ها و ناملايمات دوران کودکی جلال آل‌احمد بر رفتار، افکار او..... ۴۱۸
- محدود بودن امکانات آل‌احمد در ابراز افکار خود در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش..... ۴۲۴
- کتاب غرب‌زدگی جلال آل‌احمد..... ۴۲۶
- قصد مهاجرت به خاطر نوشتنِ غرب‌زدگی..... ۴۲۹
- غرب‌زدگی یعنی غرب‌ستیزی؟..... ۴۳۱
- میزان مذهبی بودن جلال آل‌احمد..... ۴۳۹
- تغییر مداوم اعتقادات سیاسی آل‌احمد به سود عمال حکومت وقت..... ۴۴۴
- پافشاری جلال آل‌احمد در ملی‌گرایی..... ۴۴۶
- اثرات بیگانه‌ستیزی جلال آل‌احمد روی شاگردانش..... ۴۴۸
- نتیجه..... ۴۴۸

پیش‌گفتار

سالیان متمادی به این فکر می‌کرده‌ام درباره‌ی دوران چهار ساله‌ی تحصیل در مدرسه «صفا» کتابی بنویسم. خودم از این امتیاز و آرزو تعجب می‌کردم، چون مدرسه‌های دیگری هم بودند که در آن‌ها درس خوانده بودم. چرا فقط این چهار سال و چرا فقط مدرسه صفا ذهن مرا به خود مشغول کرده بود؟

شگفتی من هنگامی بیش‌تر شد که متوجه شدم که همکلاسی‌های سابقم - که آن‌ها را تقریباً نیم قرن بعد از دوران تحصیل پیدا کرده‌ایم - مثل من از سال‌های تحصیل در مدرسه صفا خاطرات فراوانی دارند که غالباً درباره‌ی آن صحبت می‌کنند. یعنی این سال‌ها در روح و جسمشان تأثیر عمیقی گذاشته بود. چه عاملی باعث شده بود که این خاطرات برای همه ما زنده و پایدار بماند و همگی ما با هر دید و بازبینی و تماس، با ناراحتی یا لبخندی یادی از آن ایام بکنیم، تا جایی که یکی از همکلاسی‌های ما خاطراتش را در باب این مدرسه نوشته است.^۱

در یکی از گردهمایی‌های همکلاسی‌های قدیمی، از یک هم‌مدرسه‌ای که چند سالی از من بزرگ‌تر بود سؤال کردم: «شما از مدرسه صفا چه خاطره‌ای دارید؟». او کمی فکر کرد و گفت: «نه! چیزی از مدرسه صفا به یاد نمی‌آد. فقط کتک‌هاش تو خاطرم هست. ناظمی به اسم ا... بی داشتیم که ما رو با زدن ترکه به نوک انگشتامون تنبیه می‌کرد. اگر دستمون رو موقع زدن می‌کشیدیم، عصبانی می‌شد و با ترکه محکم‌تر به سر و

۱. برزرگر، محمود؛ دبستان شاه‌پور تجریش؛ باغ فردوس (۱۳۲۷-۱۳۴۲)، ۲۰۰۵.

صورتمون می‌زد. این تنها چیزی است که به خاطر دارم».

با تحقیق و بررسی بیش‌تر متوجه شدم که مدرسه صفا که شاگردانش در آن کتک می‌خوردند و مجازات می‌شدند و حرف‌های توهین‌آمیز می‌شنیدند و عذاب و سختی روحی می‌کشیدند، مدرسه‌ای استثنایی میان مدارس شمیرانات نبود. بلکه این رفتار و تنبیه‌ها در قبال کودکان و نوجوانان، رسم و سنت فرهنگی متعارف در تمامی مدرسه‌ها بود که کمابیش همه مدارس آن زمان را دربرمی‌گرفت. پس این رفتار، مختص مدرسه صفا نبود. حالا اگر در مدرسه‌هایی که من در آن درس خواندم با شاگردان به ملایمت برخورد می‌شد، باید آن را به حساب بخت و اقبال شاگردان گذاشت.

آل احمد کتاب «مدیر مدرسه» را در باب مدرسه صفا نوشته است، در مدرسه‌ای که خودش مدیر آن بود. او سعی کرده که همه رویدادهای منفی و مثبتی که در مدارس دیگر دیده و تجربه کرده یا شاید هم شنیده و باعث آزار روح و روان او یا شادی او می‌شده را در قالب دهنش در مدرسه صفا بگنجاند. در نتیجه کتابی که او نوشته داستانی نیمه‌حقیقی بدون اسم نشان است. برای ردگم کردن که کسی او را به چیزی متهم نکند، قیافه اشخاص و احوال آنها مکان را به طور کامل توصیف نکرده و گاهی عمداً اشتباهی را درباره آن به کار برده است. او در جواب انتقاد سیدمحمدعلی جمال‌زاده از «مدیر مدرسه» بدون رودیستی فاش می‌کند: «... عکس‌العمل چنین، فساد عظمایی چنان، تقوای بی‌نام و نشانی است که من چون بارها در زندگی دیده‌ام در «مدیر مدرسه» سراغ داده‌ام. ... من قصه نوشته‌ام. ... چیزی از خودم ساخته‌ام. ... و اصلاً مگر من قصد داشتم کتاب تربیتی بنویسم؟»^۱

به عقیده من، با در نظر گرفتن مطالب کتاب «مدیر مدرسه» مقایسه آن با حقایق مدرسه صفا، به احتمال قوی هفتاد درصد از پیشامدهای شرح داده شده در این کتاب را آل‌احمد از مدرسه صفا و سی درصد آن را از مدارس دیگر که قبلاً در مدیریتش معلم آن‌ها بوده به عاریت گرفته یا همان‌طور که خود نوشته، ساخته و پرداخته ذهن خودش بوده است.

آل‌احمد در کتاب مدیر مدرسه می‌نویسد: «پسرک را جلوی روی بچه‌ها کشیدمش زیر مشّت و لگد و بعد سه تا از ترکه‌ها را به سر و صورتش خرد کردم. چنان وحشی

۱. دهباشی، علی؛ نامه‌های جلال آل‌احمد؛ نشر افست گرافیک؛ ۱۳۸۷. ج اول، ص ۷۶.

شده بودم که اگر ترکه نمی‌رسید، پسرک را کشته بودم»^۱.

در حقیقت او این صحنه را از تجربه چند سال پیش خود در مدرسه موسیقی هنرهای زیبا و قبل از حضور در مدرسه صفا وام گرفته بود. آل احمد به همسرش، سیمین دانشور می‌نویسد: «... امروز صبح ... در مدرسه یک خرت کردم، پسرکی را - یعنی نره غولی از کلاس دوم را - آن قدر زدم که نگو و بیرونش کردم و نمی‌دانی چه حالی شدم!؟ ... درست نیم ساعت از عصبانیت می‌لرزیدم»^۲.

همین‌جا خیالی از منتقدین آل احمد را به اشتباه انداخته و آن‌ها به غلط نتیجه گرفته بودند که او در تمام طول تدریس خود در مدارس شخص کتک‌زنی هم بوده است و حال آن که او بر اساس چند تجربه نامطلوب گذشته خود در مدرسه موسیقی متوجه شده بود که کتک زدن شگرد روشی مغایر تربیت صحیح است. از این جهت او این حرکت ناپسند را هنگام مدیریت خود در مدرسه صفا کنار گذاشته بود و با رفتار دوست داشتنی و گفتار منطقی خود شخصیت والایی در میان بچه‌های مدرسه صفا داشت. چنان‌که تصور تنبیه بدنی او، از سحالات است. من هرگز منظره کتک زدن او را ندیدم. در مدرسه صفا هیچ وقت آل احمد با دانش‌آموزان برخوردی نداشت و گریه بچه‌ای نشد.

هدف از نوشتن این کتاب

در مدرسه صفا در زمان مدیریت آل احمد و دکتر حمید م... ور (فرزام) - که پس از آل احمد آمد - دانش آموز بودم. کوشش من این است که در حد توانم ناگفته‌ها و وقایع تلخ و شیرین دوران مدیریت این دو نفر در مدرسه صفا را در آن زمان بنویسم. ابتدا برای نوشتن این رویدادها از خاطرات خود و سپس در حد امکان از خاطرات بامزه یا ناخوشایند هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌هایم استفاده می‌کنم. همچنین تلاش می‌کنم شرایط اجتماعی و آموزشی، یعنی روحیه و وضعیت دانش‌آموزان و طرز فکر معلمان و فرهنگ آن سال‌ها، سختی‌هایی که می‌کشیدیم، سرگرمی‌ها، تفریح‌ها و امکانات آن زمان را بازگو کنم. با توجه به این که من تمدن فرهنگی آن دوران را شرح می‌دهم و «نسل

۱. آل احمد، جلال؛ مدیر مدرسه؛ انتشارات امیر کبیر؛ چ چهارم. ۱۳۵۰. ص ۱۲۹. برای جزئیات پیش‌تر صص ۱۲۷ تا ۱۳۰.

۲. نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد. کتاب دوم. بخش اول. به اهتمام مسعود جعفری جزی، تهران، نشر نیلوفر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵.

کتک خورده» در حقیقت شامل همه دانش آموزان مدارس - و نه فقط مدرسه صفا - می شده است. اگر وقایعی در مدرسه ای رخ می داد و برنامه ای غلط تنظیم می شد، این واقعه و برنامه ویژه یک کلاس و یک معلم و مدرسه صفا نبود. به همین دلیل من آن را مختص به خود نمی دانم. در بخش دوم کتاب، افاق دیدم را به مدارس دیگر شمیرانات گسترش می دهم و در حدود حوصله خواننده این کتاب، معلم ها و فرهنگ آن دوران را زیر ذره بین می گیرم. سعی من این است که با این کتاب نشان دهم که این آموزگاران که می خواستند به ما علم و دانش بیاموزند چه کسانی بودند؟ ما زیر دست چه افرادی تربیت شدیم و بچه های مردم زیر دست چگونه افرادی پرورش یافتند؟

قضاوت و بررسی و تحلیل را به خود خواننده واگذار می کنم. بر این اساس تمجید و تعریف و انتقاد از یک شخص نشانه طرفداری یا مخالفت و جبهه گیری در برابر او نیست. شاید این کتاب که نگاهی به شیوه تعلیم و تربیت و محیط فرهنگی گذشته دارد، کمکی برای برطرف کردن کاستی ها یا موجب تشویق کسانی باشد که برای گرفتن نتایج بهتر از تعلیم و تربیت، تلاش می کنند و مشوق افرادی به حساب آید که در جستجوی ایده ها و افکار جدید برای بهتر کردن برنامه های آموزشی هستند. در کنار این نوشته ها، کوشیده ام تا جایی که ممکن است به حلیم شخصی همکلاسی ها و اطرافیان شان وارد نشوم. در مواقعی که لازم بوده از بردن نام پرهیز کرده ام. هدفم از ذکر نام محله های شمیران و مدارس آن، جغرافیای نویسی نبود، بلکه در تشریح موقعیت و رویدادهای «نسل کتک خورده» از آن هایی نام برده ام که مستقیم یا غیرمستقیم با مدرسه صفا و شاگردانش - از جمله خودم و همکلاسی هایم - مربوط می شدند. در این نوشته قصد تخریب معلم ها و کادر آموزشی مدارس را ندارم. فقط می خواهم نشان دهم که کتک زدن چه اثرات مخربی روی دانش آموزان می گذارد و چه صدمه های جبران ناپذیری مانند ترس و وحشت و اضطراب دائمی و ... از تنبیه بدنی در روحیه کودکان و نوجوانان برجا می ماند. افرادی که از نظر عاطفی دارای روح حساس و آسیب پذیری بودند، تحت تأثیر کتک ها قرار می گرفتند. حال آن که کسانی که روحیه قوی داشتند و به اصطلاح «پوست کلفت» به حساب می آمدند، با پوزخندی از کنار کتک خوردن عبور می کردند.

در ضمن امیدوارم با نوشتن رویدادهایی که شاهد آن در مدرسه صفا بودم، تعهد اخلاقی خود را به همکلاسی ام یوسف بیگلربیگی ادا کنم. چون به چشم خود دیدم که او

از این کتک‌ها صدمه زیادی دید و حتی مسیر زندگی‌اش به خاطر این تنبیه‌ها تغییر کرد.

ناگفته نماند که برایم جالب است بدانم کتک زدن روی تنبیه‌کننده چه اثری برجا گذاشته است.

در نگارش این کتاب در پاره‌ای اوقات به ناچار به کتاب مدیر مدرسه آل‌احمد اشاره کرده‌ام که در دوران مدیریتش دربارهٔ مدرسه صفا نوشته است. در زمان‌هایی که توصیف برخی اشخاص و اماکن از دید من مهم بود، با اشاره‌ای کوتاه به کتاب مدیر مدرسه در پایین صفحه، می‌کرده‌ام توجه خواننده را به قلم‌پردازی آل‌احمد معطوف و حقیقت را جایگزین قصه کنم. البته هدفم این نبود که سطر به سطر با آن کتاب پیش بروم و بیان کنم که چه مطالب از مدیر مدرسه با حقیقت مطابق است و کجا برای رد گم کردن قصه، مطالبی اضافه شده است. من تجزیه و تحلیل کتاب او وظیفهٔ این نوشته نیست. همچنین باید اشاره کنم به سطر اسب طرب با سال‌های بعدی و نتیجه‌گیری از بحث، گاهی ترتیب زمانی در نوشته‌های این کتاب دربارهٔ مدرسه صفا رعایت نشده است.

در خاتمه لازم می‌بینم از یکایک سررانی که در نوشتن این کتاب به نحوی از انحا مرا یاری داده و راهنمایی کرده‌اند سپاس‌گزار باشم: آقایان امیر بیگلربیگی، محمد باقری، محمود برزگر، محمد علی‌زاده، نصرالله زندی، کریم نصیبی، علی امینیان، ناصر سربسته (نصیری)، بیژن وحیدی، ناصر (محمد مهدی) صالحی، اکبر قادری، جواد قادری، منوچهر نبوی، علی صامعی، فرامرز مجیدی، حاج سعید جوزدانی و نعمت‌کدیری.

با وجود سلیقه‌های مختلف خوشحال می‌شوم اگر خوانندگان کتاب‌های کتاب را به من گوشزد کنند. آدرس ایمیل من در پیش‌گفتار کتاب ذکر شده است. انتقاد، راهنمایی و پیشنهادهای خود را به هر زبانی که برایتان راحت است به آدرس ایمیل من که در پایین ذکر شده بفرستید. مطمئناً تماس شما بی‌جواب نخواهد ماند.

d.pourkian@yahoo.com

داریوش پورکیان